

## تاریخ تکرار میشود



حکومت های موقت ، انتقالی و انتخابی که بعد از سقوط طالبان و برگزاری اجلاس وسیع گروه های تنظیمی ، طرفداران شاه سابق و بعضی اشخاص و افراد مستقل در پترسبورگ المان بوجود آمد ، نتوانست بنا بر دلایل گوناگون (بی کفایتی ، زد و بند های سیاسی ، بوجود آمدن حکومت های به اصطلاح وحدت ملی ، وابسته گی به بیگانه ها ، عدم پابندی به منافع ملی ، نبود باز پرس و تفتیش قوی ، معامله گری ، نبود روحیه جوادگی ، بی بندوباری ، حضور تعلقات قومی ، محلی ، منطقوی و بخصوص تنظیمی ، توزیع پست های دولتی بر اساس سهمیه تنظیمی ، قومی وقبیلوی ، عدم رعایت سطح دانش علمی ، تجربه کاری و آگاهی سیاسی در تعیین و تشخیص کادر های دولتی ، نبود مکافات و مجازات و تفتیش از چگونگی کار کارمندان در دستگاهی دولتی و وابسته گی های شخصی کارمندان به مقامات بلند پایه دولتی و . . . ) یک تیم کاری از اشخاص و افراد کار فهم ، تحصیل کرده ، مجرب و دلسوز به مردم و وطن بوجود بیاورد . اگر در آغاز تشکیل حکومت های موقت انتقالی بنا بر دلایل این کار نا ممکن بود بعد از پیروزی در انتخابات و دریافت مشروعیت از مردم تشکیل چنین تیم کاری نه محال بود و نه غیر ممکن . ولی بدبختانه تا امروز چنین کاری نشد و تشکیل حکومت های مصلحتی و یا به اصطلاح وحدت ملی که نه وحدت ملی را تامین کرده توانست و نه جامعه و مردم را از بدبختی ، سیاه روزی ، بیکاری و بی روزگاری نجات داده توانست . بر عکس فساد ، معامله گری ، مصلحت جوی ، قوم گرایی و سو استفاده از دارای های مرد را رونق بیشتر بخشید .

گروپ های جهادی همانطوریکه در دوران جهاد در پاکستان و ایران نتوانستند با هم کنار آمده و زبان مشترک پیدا نمایند ، بعد از به قدرت رسیدن و بخصوص بعد از سقوط حکومت طلبه ها و تشکیل حکومت جدید هم به اختلافات خود بر سر تقسیم کرسی های دولتی ادامه داده به رنج های مردم افزودند . جنگ قدرت امکانات و منابع پولی و فرصت های را که مراجع بین المللی غرض بر پایی یک زنده گی نو و گذاشتن مرحوم بر زخم های مردم فراهم کرده بودند نیز به هدر داد .

تکنوکرات ها و مامورین عالیرتبه سابقه که یا به فرار از وطن مجبور شده بودند و یا غرض جستجو زنده گی بهتر شرایط در کشور را بهانه ساخته ، راهی غرب شده بودند در همین یک دهه اخیر با گرفتن معاش دالری به وطن رفتند و عده خدمتگذاری دادند ، ولی اکثراً با پر کردن جیب ها و چپاول دارایی های ملت و گرفتن دهن جوال با دزدان محلی دوباره برگشته زنده گی پر زرق و برق برای خود و نوری چشمی ها در غرب دست و پا کرده و کیسه تهی ملت را تهی تر ساخته و نقش وطنپرستانه خود را بجا آوردند .

کنار رفتن ها و کنار آمدن های اراکین قدرت در کابل ، تحریکات اشکار و پنهان و راکت پرانی های پاکستان در ولایات سرحدی افغانستان در موجودیت قوای ناتو و قرارداد ستراتیژیک میان امریکا و افغانستان ، اسباب تشویش و ترس و وحشت را در میان مردم عادی کشور بوجود آورده است . اگر پاکستان در حضور نیرو های بین المللی و امریکا روزانه صدها راکت به خاک افغانستان فیر میکند و به گفته رییس امنیت ملی افغانستان قوای پاکستان حدود پنج کیلومتر در خاک افغانستان نفوذ کرده و پوسته های سرحدی افزاز کرده اند . پس بعد از خروج نیرو های ناتو و امریکا وضع چگونه خواهد شد ؟ امریکا که با استفاده از اقمار مصنوعی هر جنبنده را در روی زمین میبیند ، چطور نمیتواند ببیند که راکت ها را قوای پاکستانی فیر میکند و یا طالبان پاکستانی و یا کسی دیگری . اگر وضع چنین ادامه یابد پس امضای قرارداد ستراتیژیک با امریکا چه مفهوم دارد ؟ و چه مفاد برای کشور و مردم ما در پی دارد ؟

نفوذ طالبان در صفوف قطعات اردو و پولیس موضوع قابل تشویش دیگریست که توجه صاحب نظران را به خود جلب نموده است . همین تشویش که قوای مسلح ما صیغه ملی نداشته بلکه متشکل از اشخاص و افراد مربوط به تنظیم های جهادی و طلبان میباشد که بعد از خروج نیرو های ناتو از کشور ، امکان فروپاشی اردو و شعله ور شدن دوباره جنگ های تنظیمی میان گروه های مجاهد و مجاهد و طلب وجود دارد که این موضوع اکثریت وطنپرستان و نیرو های ملی را بخود مصروف داشته است .

مقامات بلند رتبه دولتی هنوز در گروهی تفنگ سالاران و صاحبان قدرت که بار ها در وطن ما آتش افروخته و هست و بود مردم را چپاول کرده اند ، هستند . رحمت الله نبیل رییس امنیت ملی افغانستان روز چهارشنبه اول اگست 2012 در جلسه ولسی جرگه گفت : «مسائل ملی اگر با حرکت ملی حل نشود با چند عسکر نمیشود . ما اگر می خواهیم نیرو های امنیتی را انگیزه بدهیم و صدای خود را به جهانیان برسانیم ، یک کمپ زده شود از طرف وکیل صاحب ها ، یا از طرف مارشال صاحب یا جنرال دوستم یا از سوی وزیر صاحب دفاع ، داوطلب ثبت شود و حداقل با یک صد هزار نفر در سرحدات برای یک هفته برویم . » آقای رییس یا خود در صدد توطیاء است و یا وسیله دست دیگران گردیده است . ما در عصر و زمان قرار داریم که دیگر جمع آوری افراد قومی و لشکر کشی ها به سبک سابق از مُد رفته است . اکنون زمان تخنیک و تکتیک عصری جنگی و الکترونیک است نه جنگ شمشیر و یا تیر و کمان .

تاریخ تکرار میشود . مردم شریف و با عزت افغانستان به خوبی به خاطر دارند که سرازیر شدن قطعات قومی دوستم بدستور و سازمان دهی ستون پنجم قدرت در سال 1992 به شهر کابل تحت نام تامین امنیت و تقویه قوت های دولتی باعث گردید که قطعات مذکور در تبتانی با نیرو های مجاهدین در سقوط دولت برسر اقتدار نقش به سزا گرفتند . اکنون که قوت های بین المللی و نیرو های ناتو تا ختم سال 2014 افغانستان را ترک میکنند ، یک بار دیگر سناریوی مذکور زیر نام دیگری تکرار میشود . رییس امنیت فهمیده یا نا فهمیده ارزو میکند که جنگ سالاران بدنام تجهیز شوند و از سرحدات کشور دفاع کنند . چرا ما قطعات اردو و قوای سرحدی را تجهیز و تقویه نمیکنیم تا بدامن افراد بدنام دست انداخته و برایشان حیثیت مدافع سرحدات کشور را قابل میشویم . چرا قطعات اردو و پولیس را از محدوده تنظیمی و وابسته گی های قومی بیرون نمی آوریم تا اردو و پولیس ملی بوجود آمده و بتواند از سرحدات ، حیثیت و ناموس وطن بدون دغدغه و وابسته گی دفاع کند ؟ شاید توطیاء در شرف اجرا است . شاید گروه های مسلح غیر قانونی تنظیم های جهادی هنوز در فکر برافروختن آتش دیگر در کشور میباشند . و شاید هم گروه های شریک در قدرت برای بقای خود در آینده پلان های پشت پرده طرح کرده و زمینه های اجرا و عملی کردن آنرا سراغ و تمرین میکنند . هیچ کدام از این حدس و گمان ها بدور از امکان نیست .

چه وطنی داریم ! ، چه مردمی و چه انسانهای ! ان یکی که تا دیروز بگشت ، سربرید ، به آتش کشید و بی عزت ساخت و پهلوان نما هایش از هیچ کار و عملی ناشایست دست نگرافتند و بر سر تو هموطن بیچاره و بی پناه آتش برافروختن ، فرزندت را ، زنت را و هست و بودت را از تو گرفتند و بر ویرانه های خانه ات با بی شرمی خندیدند و رفتند . امروز با کف و کالر برگشته و از تو و هموطنان بی دفاعت ، عزت می خواهند و حرمت می طلبند . همشهری با عزت اگر تو خاموش بنشیننی و آه به جگر نکشی ، دزدان سرگردنه باز هم بر شانه هایت سوار میشوند و تو را برده وار می کنند و محصول کار و زحمتت را می ربایند و باز هم زیر نام ملا ، مولوی ، مجاهد ، طالب و چلی . . . با عزتت بازی کرده بار دیگر بر تو وساده گی و صداقتت می خندن . همشهری گرانقدر بیا دیگر بر مارشال ها و ستر جنرال های که آزموده شده اند ، اعتماد مکن . بیا بر دین فروشان ریشدار و بی ریش اعتماد مکن . بیا بر طالب و چلی که فرزندان را از نعمت سواد و تحصیل محروم ساخته بودند و زنت را در پشت شیشه های رنگ مالی شده خانه و

کاشانه ات ، زندانی نموده و تو را از نعمت کار و زنده گی شرافتمندانه بی بهره ساخته بودند ، اعتماد مکن . همشهری عزیز بیا بر تاجران دین و مذهب که بیشتر از سی سال است که برای تو و وطنت جز بدبختی ، فاجعه ، بی عزتی و بربادی چیزی دیگری نیاورده اند ، اعتماد مکن . اگر من وتو و دیگران خاموش ننشسته و بر بادی وطن و افتخارات انرا با بی تفاوتی تماشا نکنیم و به تحریک این و آن به گریبان هموطن خود دست نیاندازیم و وسیله دست دین فروشان نشویم ، قوت هستیم . قوت که زمین را زیر پای هر دشمن به لرزه می آورد . قوت ما در اتحاد و یک پارچگی ماست . قوت ما در فهم و دانش ماست . قوت ما در درک و شناخت ما از خوب و بد است . قوت ما در شناخت از بد خواهان و بد کرداران است . پس بیا که هوشیار و قوی باشیم و وطن خود را از چنگال اختاپوت ها نجات دهیم .

2012 . 08 . 09